

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۱۶۲-۱۴۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸



موانع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس

معصومه صدخسروی^۱، توکل حبیب‌زاده^{۲*}

چکیده

مقاله حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی و تطبیقی که مبتنی بر روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد و با هدف واکاوی و استخراج موانع حقوقی موجود در مسیر الحاق ایران به موافقت‌نامه تریپس به انجام رسیده است، مبین یافته‌هایی است مبنی بر این که مطالعه تطبیقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخصوص اصل ۱۳۹ این قانون با مفاد موافقت‌نامه تریپس، حاکی از آن است که میان دو منبع حقوقی، تعارض در فرآیند ارجاع اختلاف به نهاد داوری، داوری ناپذیری برخی موضوعات و نیز مخدوش گردیدن اصل محرمانه بودن امر داوری به چشم می‌خورد؛ چرا که موافقت‌نامه تریپس رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی عنوان نموده، اما اصل ۱۳۹ قانون اساسی نه تنها رکن حل اختلاف را مشخص نکرده، بلکه ارجاع به داوری را منوط به تأیید و تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی عنوان نموده است که در عمل این شرط، اصل محرمانه بودن امر داوری در حقوق بین‌الملل را نیز مخدوش می‌نماید. از سویی دیگر، حکم اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص یک دسته خاص از دعاوی مربوط به دولت یا دستگاه‌های دولتی است و شامل هر نوع اختلافی نمی‌گردد.

واژگان کلیدی: سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه تریپس، اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، الحاق، داوری، حل و فصل اختلاف.

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق بین‌الملل، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی
** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان - دانشگاه دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران نویسنده مسئول thabibzadeh@gmail.com

مقدمه

سازمان تجارت جهانی^۱ یکی از جوان‌ترین و در عین حال مهمترین سازمان‌های بین‌الدولی تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود که در زمینه تجارت بین‌المللی فعالیت می‌کند (Van den Bossche, ۲۰۰۵: ۷۷) و آزادسازی و قاعده‌مندسازی تجارت جهانی را عهده‌دار می‌باشد. این سازمان از اوّل ژانویه ۱۹۹۵، متعاقب مذاکرات دور اروگوئه که بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ اتفاق افتاد، جایگزین نهاد موقت ۵۰ ساله گات^۲ گردید (پور شوشتری و کامل، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

این مذاکرات که به دلیل اختلاف نظر بر سر مسائلی مانند کشاورزی، خدمات و منسوجات، به طولانی‌ترین دور مذاکرات تبدیل شد، منتج به انعقاد حدود ۶۰ موافقت‌نامه و تصمیماتی که حجم آن از ۵۰۰ صفحه فراتر رفت. در این مذاکرات علاوه بر انعقاد سند مؤسس سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه‌های دیگری نیز منعقد شد که یکی از آن‌ها، موافقت‌نامه «تریپس»^۳ است (سواری و راشدی، ۱۳۹۳: ۴۸).

از آنجا که سازمان تجارت جهانی در حقیقت بیش از هر سازمان یا نهاد دیگری نهاد جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌رود- برخلاف گات که به تجارت کالا محدود می‌شد- قواعد، مقررات و موافقت‌نامه‌های این سازمان نیز علاوه بر تجارت جهانی کالا، بر تجارت جهانی خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز حاکم است. بر این مبنای، تمامی کشورهایی که خواهان تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات اقتصاد بین‌المللی در فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی خود از طریق عضویت در این سازمان هستند، باید علاوه بر تقبل تعهدات آزاد سازی بازار کالاها و خدمات خود که در خلال مذاکرات تعیین می‌گردد از مقررات و قواعد سازمان که مندرج در موافقت‌نامه‌های این سازمان است، تبعیت کرده و قوانین و مقررات خود را با موافقت‌نامه‌های این سازمان سازگار نماید.

جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۷۵ مصادف با ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶ درخواست الحاق خود به سازمان تجارت جهانی را تسلیم نمود. این درخواست در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۸۴ مصادف با ۲۶ مه ۲۰۰۵ به اجماع اعضای سازمان، بعنوان

۱. World Trade Organization (WTO)

۲. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT) = موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت

۳. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

موانع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس.....۱۴۵

عضویت ناظر ایران رسید و از آن تاریخ به بعد، ایران عملاً وارد فرآیند مذاکره الحاق به این سازمان شد و پرونده آن در دست یک گروه کاری قرار دارد تا با مذاکره و دریافت گزارش سازگاری این کشور با مقررات پذیرفته شده میان اعضای سازمان، مراحل عضویت اصلی و کامل خود را طی نماید (نوازنی و نوازنی، ۱۳۹۰: ۲).

نظر به این که روند مذاکرات الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی در جریان است، ناگزیر اجرای موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) یکی از الزامات الحاق می‌باشد (فتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۳). تریپس از جمله مقرراتی است که با دارا بودن موضوعات و احکام گسترده‌تری نسبت به مقررات بین‌المللی پیش از خود، برای بسیاری از کشورها لازم‌الاجتناب بوده، با ارائه استانداردها و الزام به تمکین به آنها، موازین واحدی را در سطح بین‌الملل ایجاد و مقررات ملی کشورها را به هم نزدیک کرده است؛ چرا که هر دولت - کشوری که متقاضی الحاق به هر یک از سازمان‌ها یا اجماع‌های بین‌المللی باشد، می‌بایست قبل از الحاق، در قوانین و مقررات داخلی خود تغییرات و اصلاحاتی مطابق با آنچه شرایط الحاق است، انجام دهد و این خود پیش شرط و مقدمات واجب عضویت و همراهی می‌باشد؛ بنابراین، تا زمانی که کشور متقاضی الحاق نسبت به بازنگرایی در قوانین و مقررات داخلی خود اقدام نکرده باشد، پذیرش و قبول آن در سازمان‌های موصوف منتفی است.

در این میان، یکی از تمهیدات الحاق به سازمان تجارت جهانی، انطباق قوانین و مقررات کشور متقاضی الحاق با قواعد و مقررات موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی از جمله در زمینه حقوق مالکیت فکری و به عبارت دیگر رفع کمبودها و مغایرت‌های قانونی کشور متقاضی الحاق است که در این خصوص، «موافقت‌نامه تریپس» و الحاق به آن جایگاه و اعتبار ویژه‌ای دارد؛ اساساً، وجود تریپس در مجموعه مقررات سازمان تجارت جهانی و تبعاً ضرورت توجه بازیگران تجارت بین‌المللی - اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها و اشخاص خصوصی - به آن، موجب اعتبار آن شده است و در میان مقررات بین‌المللی مرتبط با حقوق مالکیت فکری، به جهت گستردگی موضوعات مشمول این موافقت‌نامه، نقش ویژه‌ای به آن داده و بر اعتبارش افزوده است؛ چرا که تمام مقررات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری چه مقرراتی که قبل از شکل‌گیری تریپس تصویب و لازم‌الاجرا شده‌اند، مثل کنوانسیون پاریس، برن و روم و چه مقررات بعد از تریپس مثل معاهدات واپسو در خصوص حقوق اختراع،

۱۴۶....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

حقوق علامت و اجراها و آوانگاشت‌ها فقط بخشی از مصادیق حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شوند (۲: ۲۰۰۹، Max Planck Institute)؛ لکن موافقت‌نامه تریپس سطح گسترده‌ای از موضوعات مالکیت فکری را شامل شده (۱۰: ۲۰۱۲، WTO) و زمینه‌ساز آن گردیده که تبادلات گسترده‌ای را در صحنه تجارت بین‌الملل پوشش دهد. این سطح از اهمیت و اعتبار، ضرورت همراهی و همگامی دولت‌ها با موافقت‌نامه تریپس را به تصویر می‌کشد؛ لذا تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی مکلف‌اند قوانین داخلی خود را با مقررات تریپس هماهنگ سازند و بی‌توجهی آن‌ها نسبت به انجام این تعهد ممکن است منجر به دخالت مکانیزم حل اختلاف و اتخاذ تصمیمات جدی علیه آن‌ها بشود (۸۲: ۱۹۹۹، Palmeter). بی‌تردید هیچ کشوری علاقه‌ای به این امر نداشته و تلاش می‌کند بدون فشار به تعهدات خود عمل نماید، اما متأسفانه این فرآیند، برای جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی همراه بوده و در عمل به دلیل وجود برخی عدم تطابق‌ها، همراهی ایران و تبعیت آن از این موافقت‌نامه با اما و اگرهایی همراه ساخته است؛ بطوری که در عمل، برخی از موانع حقوقی که ناشی از عدم تطابق رویکرد حقوقی و مفاد موافقت‌نامه تریپس با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - خصوصاً در ذیل اصل ۱۳۹ این قانون - می‌باشد، مانع از آن گردیده که ایران تاکنون، مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس را طی نماید. این روال، بی‌تردید فرآیند پذیرش و عضویت ایران به عنوان عضو اصلی سازمان تجارت جهانی را به تعویق خواهد انداخت.

نوشتار حاضر، با طرح این سوال اصلی که بر طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چه موانع حقوقی‌ای در مسیر الحاق این کشور به موافقت‌نامه تریپس، قابل طرح است؟ با استفاده از روش کیفی که مبتنی بر گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد، درصدد واکاوی و استخراج موانع حقوقی موجود برای الحاق ایران به موافقت‌نامه مذکور است.

۱- مفهوم‌شناسی

الف) موافقت‌نامه تریپس: موافقت‌نامه تریپس به عنوان موافقت‌نامه‌ای از سازمان تجارت جهانی، بخشی از حوزه حقوق بین‌الملل و جزئی از نظم تجارت جهانی است که ریشه‌های آن را می‌توان در موافقت‌نامه عمومی راجع به تعرفه و تجارت جستجو

موانع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس..... ۱۴۷

کرد؛ بطوری که، موافقت‌نامه تریپس، به عنوان یکی از ضمايم موافقت‌نامه مؤسس سازمان تجارت جهانی قلمداد می‌گردد که از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم‌الاجراء گردید (WTO, ۲۰۱۰: ۸).

موافقت‌نامه «تریپس» به همراه کنفرانس استکهلم ۱۹۶۸ که متضمن تعدیل‌هایی در کنوانسیون‌های برن و پاریس بود و منتهی به تشکیل سازمان جهانی مالکیت فکری شد، بی‌شک مقاطع تکامل حقوق مالکیت فکری در سده بیستم به شمار می‌آید. در واقع، گستره موافقت‌نامه تریپس از هر توافق‌نامه بین‌المللی پیش از خود گسترده‌تر است؛ چرا که نه تنها زمینه‌هایی که پیش از آن، تنها به نحو جزئی، به وسیله توافق‌نامه‌هایی بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته بود را مورد توجه کامل قرار داد، بلکه جان تازه‌ای به معاهداتی بخشید که کارایی خود را از دست داده بودند. علاوه بر این، برای نخستین بار حقوقی را مورد حمایت قرار داد که از هیچ حمایت چند جانبه‌ای برخوردار نبودند. از این گذشته و شاید بتوان گفت مهم‌تر از همه، اینکه موافقت‌نامه تریپس قواعد مفصلی را به یکی از دشوارترین و برای صاحبان حق، خطرناک‌ترین جنبه‌های حقوق مالکیت فکری (یعنی اجرای این حقوق) اختصاص داد. بر این مبنای می‌توان گفت، قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری موسوم به «تریپس» تبلور یافته است. بطور کلی این موافقت‌نامه از سه بخش اصلی تشکیل شده است: ۱- مفاد عمومی یا کلی (مشمول بر اهداف، اصول، اتباع، کنوانسیون‌ها یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط، خاتمه یا استیفای حقوق و..)، ۲- مفاد حاوی ضوابط یا استانداردهای حمایت از حقوق مالکیت فکری و ۳- مفاد مربوط به اجرای حقوق مالکیت فکری (بزرگی، ۱۳۹۲: ۲۸).

این موافقت‌نامه در واقع، مقررات ماهوی کنوانسیون پاریس و برن را با ارجاع مستقیم پذیرفته است؛ بدین ترتیب که در مواردی که کنوانسیون‌های پیشین حوزه مالکیت فکری، ساکت یا ناکافی باشند، موافقت‌نامه تریپس، تعهدات و مقررات ماهوی ایجاد و اضافه می‌نماید؛ بدین ترتیب که تریپس با تأیید مواد و مفاد ماهوی مقررات قبل از خود، به ویژه کنوانسیون‌های پاریس و برن که به ترتیب مهمترین مقرره بین‌المللی در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری هستند، روند حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری را بر هم نزنده و مسیر آن را ناهموار یا منحرف ننموده است، بلکه با ارجاع صریح به آن‌ها و الزام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به رعایت بخش قابل توجهی از مقررات مذکور که از لحاظ محتوا مباحث ماهوی حمایت

۱۴۸....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

را تشکیل می‌دهند، نه تنها بر میزان و گستره حمایت‌های بین‌المللی مندرج در مقررات مذکور تأکید دارد، بلکه با بروزرسانی آن‌ها در قالب سازمان تجارت جهانی که بخش عظیمی از تجارت بین‌المللی را تحت نظارت و کنترل خود دارد، بر محدوده کمی و کیفی آن افزوده است (میرشمسی، ۱۳۹۴: ۷۹).

با این وجود، هر چند تریپس بر مبنای حقوقی ایجاد شده توسط کنوانسیون‌های تحت نظارت وایپو (کنوانسیون‌های پاریس و برن) به وجود آمده است، اما موافقت‌نامه مذکور به هیچ وجه جایگزین نظام بین‌المللی موجود در حمایت از مالکیت فکری نشده است؛ بلکه بیشتر از طریق ارجاعات متعدد، به موافقت‌نامه‌های موجود کمک می‌کند (۲: ۲۰۰۹، Max Planck Institute).

در کل این موافقت‌نامه، با دارا بودن ویژگی‌هایی چون گستردگی موضوعات تحت شمول، ایجاد کمیته حمایت و الزام کشورها به رعایت آن، وضع اصول مبنایی حاکم بر مالکیت فکری، لحاظ ضمانت اجرا و نظام حل اختلاف و اعمال مهلت انتقالی با توجه به تفاوت در سطح پیشرفتگی کشورها از یک سو و تعداد زیاد کشورهای عضو از سویی دیگر، در ایجاد نظام حقوقی واحد در حوزه مالکیت فکری بسیار مؤثر بوده است (میرشمسی، ۱۳۹۴: ۷۰).

ب) الحاق^۱: عملی است حقوقی که به موجب آن، دولتی که طرف متعاقد در انعقاد یک عهدنامه بین‌المللی نیست، تبعیت خود را از قواعد و مقررات آن عهدنامه اعلام می‌نماید و در مقابل از مزایای آن استفاده می‌دارد (آقابخششی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۴). این عمل معمولاً بعد از انعقاد یک عهدنامه صورت می‌گیرد و دولتی که الحاق خود را اعلام می‌دارد، مثل دولت‌های اصلی امضاکننده عهدنامه، دارای حقوق و تکالیف مقرر در عهدنامه خواهد شد. شایان ذکر است، الحاق ممکن است به روی همه کشورها باز باشد مثل منشور ملل متحد و یا به روی برخی از کشورها باز باشد، مثل اتحادیه عرب که تنها به روی کشورهای مستقل عربی باز است. الحاق به تریپس و دیگر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، بر روی همه کشورها باز می‌باشد.

ج) اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی که مشتمل بر چهارده فصل و یکصد و هفتاد و هفت اصل می‌باشد، در صدر هرم سلسله مراتب قوانین و حقوق موضوعه قرار دارد و در نتیجه، این قانون، منبع بنیادین بسیار از موضوعات و مقولات حقوقی قلمداد می‌گردد.

۱. Accession

موانع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس.....۱۴۹

در این میان، اصل ۱۳۹ قانون اساسی که مطمح نظر نوشتار حاضر است، زیر مجموعه فصل هشتم این قانون می‌باشد، در راستای صیانت از اموال و دارایی‌های عمومی و دولتی در صورت بروز دعوی حقوقی، تشریفات را مقرر نموده تا این هدف بهتر محقق شود (علیدوستی، ۱۳۸۷: ۷۵)؛ این ماده قانونی مقرر داشته: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند» (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷: ۵۸).

تأمل در متن ماده قانونی فوق حاکی از آن است که نکاتی مورد تأکید اصل مذکور می‌باشد که عبارتند از: الف) صلح یا ارجاع دعاوی به داوری؛ ب) اموال عمومی و دولتی؛ ج) تصویب هیأت دولت برای هر مورد و اطلاع مجلس شورای اسلامی و د) تصویب مجلس شورای اسلامی در موارد مهم و هنگامی که طرف دعوی خارجی است. در این میان، موارد الف) و ب) از موضوعات داوری و موارد ج) و د) از شروط داوری قلمداد می‌گردد (هندی، ۱۳۸۶: ۶۶).

۲- اصول حقوقی حاکم بر «داوری» در سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های مربوطه

امروزه، داوری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی نقش بسزایی دارد و مزایای استفاده از داوری به عنوان یکی از بهترین شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، موجب گرایش روزافزون تجار به آن گردیده است. از طرف دیگر، شناسایی حقوق مالکیت فکری در معاهدات مختلف و الحاق کشورها به سازمان جهانی مالکیت فکری و گسترش تجارت الکترونیکی و همچنین اختلافات راجع به آن‌ها از قبیل اختلاف در مورد علایم و اسامی تجاری، مجوزهای حق نشر، حق اختراع و اختلافات تجاری گسترده و مستحده بر سر موضوعاتی چون مالکیت داده‌ها، انتقال داده‌ها و... که همگی دارای ویژگی‌های مشترک هستند، مقررات داوری ویژه‌ای را می‌طلبند؛ چرا که اختلافات مذکور باید سریع‌تر و بدون اینکه اطلاعات مربوط به حقوق مالکیت طرفین افشاء گردد، حل و فصل شود (زارع و ابراهیمی رامندی، ۱۳۹۷: ۸۱)؛ مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، در عمل این امکان را فراهم نموده است.

۱۵۰....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

یکی از امتیازهای بارز مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، پیش‌بینی فرآیند دادرسی سازمان‌بندی شده و مشخص می‌باشد. رکن حل اختلاف همانند دادگاهی است که اولاً نسبت به حل اختلاف تمام اعضای سازمان تجارت جهانی، صلاحیت اجباری دارد و ثانياً دارای آئین دادرسی از پیش تعیین شده و مشخصی می‌باشد. موسسان سازمان تجارت جهانی سعی نمودند تا با تجربه گرفتن از نواقص و کاستی‌های سیستم حل اختلاف گات، یک سیستم حل اختلاف مفید و مؤثری را ایجاد نمایند؛ چرا که در سیستم حل اختلاف گات، هیچگونه برنامه زمان‌بندی شده و منظمی وجود نداشت و احکام صادره به راحتی نادیده گرفته می‌شد و بسیاری از اختلاف‌ها برای مدت‌های طولانی بی‌نتیجه باقی می‌ماند. ایجاد تریپس و پیش‌بینی رکن حل اختلاف آن که مکانیزمی بسیار دقیق و کارآمدی در رابطه با حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت‌های معنوی تعبیه نموده و سعی می‌کند با توسل به شیوه شبه قضایی اینگونه اختلافات را حل و فصل نماید، نقطه عطفی در این باره قلمداد می‌گردد؛ چرا که سازمان تجارت جهانی به موجب تفاهم‌نامه حل اختلافات، روش و آئین خاصی برای حل اختلافات پیش‌بینی نموده است و کشورهای عضو، اختلافات تجاری مربوط به توافق‌نامه‌های این سازمان را اصولاً براساس همین مکانیزم، حل و فصل می‌نمایند (رئیس، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

لازم به ذکر است، قبل از تریپس، ماده ۲۸ کنوانسیون پاریس ارجاع اختلافات به دیوان بین‌المللی دادگستری را به امضا کنندگان کنوانسیون پیشنهاد می‌داد؛ ابزاری که خیلی موفق و مؤثر نبود؛ ولی سازمان تجارت جهانی با پذیرش مواد ۲۲ و ۲۳ موافقت‌نامه گات و گنجاندن آن در ماده ۶۴ موافقت‌نامه تریپس، مکانیزمی بین‌المللی و فراگیر در خصوص حل و فصل اختلافات در مورد حقوق مالکیت فکری بنا نهاد (WTO, ۲۰۰۷: ۱۶۱) که به اختلافات مربوطه رسیدگی نماید.

به واقع می‌توان گفت، یکی از بزرگترین ابتکارهای سازمان تجارت جهانی، ایجاد یک سیستم یکپارچه حل اختلاف است، که تمام بخش‌های گوناگون تجاری جهانی را تحت پوشش قرار می‌دهد. وجود یک مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به تبع گستردگی فعالیت سازمان تجارت جهانی و تعداد زیاد کشورهای عضو، مقبولیت جهانی داشته و مورد مراجعه قرار می‌گیرد، بی‌شک می‌تواند با ایجاد رویه‌ای واحد در حل و فصل اختلافات، به همگونی و هماهنگی حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح جهان کمک شایانی نماید؛ شیوه‌ای که مسلماً اهداف نظم جهانی تجارت را

مدنظر قرار می‌دهد و به گونه‌ای از حقوق مالکیت فکری حمایت می‌کند که علاوه بر احترام به حقوق صاحبان اندیشه و اصحاب دعوا، ایجاد تعادل بین حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده و برقراری توازن بین حقوق و تعهدات، مانع گردش آزاد و مشروع علم و فناوری در سراسر جهان نشده، در نهایت به تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی منجر گردد (Ibid: ۱۳).

مطابق دستورالعمل تعیین شده، اگر یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی با نقض مقررات این سازمان یا یکی از موافقت‌نامه‌های تحت پوشش آن خصوصاً موافقت‌نامه تریپس که جزء لاینکف سیستم سازمان تجارت جهانی می‌باشد، رو به رو گردد، باید برای تعیین موارد نقض صرفاً به رکن حل اختلاف متوسل گردد و از انجام اقدامات یکجانبه یا متقابل خودداری نماید؛ چرا که توسل به رکن حل اختلاف تریپس، برای کشورهای عضو الزامی است (رئیس، ۱۳۸۸: ۱۲۴). چنین فرمول منحصر به فردی از مشخصه نظام جهانی تجارت است. سازمان تجارت جهانی ابتدا شرایط را برای مذاکره طرفین اختلاف فراهم می‌کند. اگر پس از اینکه محدوده زمانی مشخص شده منقضی شد و مذاکرات ناموفق باقی ماند، عضو شکایت کننده می‌تواند پرونده را به هیأت حل اختلاف ارجاع داده و درخواست ایجاد پنل بنماید (Max Planck Institute, ۲۰۰۹: ۶) تا به تبع آن، از اصول و مزایای حاکم بر داوری سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های مربوطه، بهره‌مند گردد.

از جمله این اصول و مزایا، اصل محرمانه و سری بودن مقررات داوری است. داوری، قراردادی خصوصی است و طرفین می‌توانند شرایط ویژه‌ای را برای حل و فصل اختلافات خود در نظر بگیرند، به همین لحاظ، داوری کاملاً محرمانه انجام می‌شود. اساساً، یکی دیگر از علل گرایش روزافزون تجار به داوری، بسته بودن آن است. تجار برای حفظ اسرار تجاری و حل و فصل اختلافات، تمایلی به رجوع به مراجع عمومی و دادگستری نداشته و متوسل به داوری می‌شوند. همچنین اطلاعات مربوط به مالکیت فکری سری بوده و صاحبان و طرفین حقوق مالکیت فکری نمی‌خواهند این اطلاعات فاش شوند. بر این مبنا، داوری عمومی نیست و فقط طرفین و مشاوران حق ورود به جلسه را دارند و داوران باید به خواست و اراده طرفین دعوا مبنی بر محرمانه نگهداشتن اسرار آن‌ها و رازداری عمل نمایند (Lew, ۲۰۰۰: ۵).

از دیگر علل ارجاع دعوی داوری، سرعت رسیدگی است. اساساً، طرف‌های درگیر در تجارت بین‌الملل نیاز به راه‌حل سریع دارند؛ به همین دلیل در انواع مقررات داوری

۱۵۲....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

به اصل سرعت توجه شده است و این تفاوت اصلی داوری و رسیدگی در دادگاه است؛ به همین دلیل و برای پرهیز از اطاله دادرسی، تشریفات آئین دادرسی انجام نمی‌پذیرد. رسیدگی سریع در داوری موجب تشویق و ترغیب تجار بین‌المللی برای تمسک به داوری گردیده است.

از دیگر اصول و مزایایی که داوری در اختیار طرفین دعوی قرار می‌دهد، بهره‌مندی از «داوری نهادی»^۱ است. امروزه نهادهای بسیار به وجود آمده‌اند تا اختلافات داخلی و بین‌المللی را حل و فصل نمایند (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۳۷). در این شکل از داوری، طرفین قرارداد به جای پیش داوری موردی یا اتفاقی برای حل و فصل اختلاف به نهادها و مؤسسات داوری مراجعه می‌کنند. اتاق بازرگانی بین‌المللی مرکز بین‌المللی برای حل و فصل اختلاف راجع به سرمایه‌گذاری، مرکز داوری بین‌المللی لندن، انجمن داوری آمریکا، مرکز داوری و میانجیگری وایپو، نوعی داوری نهادی محسوب می‌شود. یک موسسه داوری معمولاً قواعد و مقررات داوری را تنظیم می‌کند و خدمات اداری مورد لزوم را تأمین نموده، بر اجرا و اعمال مقررات نظارت می‌نماید، یعنی سازمان هم‌مدیریت و هم‌نظارت زیربنایی خواهد داشت (زارع و ابراهیمی رامندی، ۱۳۹۷: ۱۷). در داوری نهادی، دسترسی به داوران متخصص و آماده‌آسان است. در اینگونه داوری‌ها، معمولاً خود نهاد به طور مستقیم به داوری نمی‌پردازد، بلکه از طریق ارگان و ابزارهایی که در اختیار دارد، بسته به مورد بر تشکیل دادگاه داوری و جریان آن و صدور رأی نظارت می‌کند و در تعیین داور اختصاصی یا داور مشترک به جای طرف مستنکف، اقدام و به اعتراض نسبت به صلاحیت داور، رسیدگی می‌کند و تصمیم می‌گیرد (تفرشی و اسدی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۰۳ - ۱۰۲).

در کل می‌توان گفت، سیستم حل و فصل اختلاف بر مبنای تریپس، بر پایه برخی از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بنا نهاده شده است که به راحتی نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، و نفی نمود، چرا که تمام تصمیماتی که در رکن حل اختلاف تریپس در جهت حل و فصل اختلافات مالکیت معنوی اتخاذ می‌گردد، بی‌تردید در تکامل و توسعه نظام حقوقی حاکم بر حوزه حقوق مالکیت معنوی مؤثر بوده و ایفای نقش می‌نماید. از این رو، مسئله مهم و اساسی در رابطه با این مکانیزم، جلوگیری از ایجاد رویه‌های

۱. Institutional arbitration

مواع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس.....۱۵۳

ناهماهنگ و متناقض با این سیستم می‌باشد که نه تنها موجب رشد و توسعه نظام حقوقی این حوزه نخواهد شد، بلکه می‌تواند به ایجاد تنش و بی‌نظمی نیز منجر گردد.

۳- مواع حقوقی عدم الحاق ایران به «تریپس»

اساساً بروز اختلاف در اجراء یا تفسیر قراردادهای داخلی یا بین‌المللی امری معمول و طبیعی است و انتخاب راهکاری سهل، ارزان، سریع و مورد قبول برای حل اختلاف هنگام انعقاد قرارداد از مسائل مطرح و مورد توجه اطراف قرارداد می‌باشد. یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات که دارای ویژگی‌های فوق بوده و نقش مهمی در این راه ایفاء می‌نماید، داوری تجاری اعم از داخلی و بین‌المللی است. عموماً طرفین قرارداد با انتخاب گزینه داوری (اعم از شخصی یا سازمانی) و مقررات حاکم بر آن جهت حل و فصل اختلافات، سعی بر کوتاه نمودن مدت رسیدگی و کاهش هزینه‌ها دارند و در این خصوص قوانین و مقررات هر کشوری ممکن است برای امر داوری شیوه‌های خاصی را پیش‌بینی و یا مقررات محدود‌کننده‌ای را اعمال نماید (هندی، ۱۳۸۶: ۶۴). حقوق ایران نیز از این قاعده مستثناء نبوده و قواعد داوری آن در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است که عمده‌ترین آن‌ها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. مهمترین اصلی که در قانون اساسی راجع به حل و فصل اختلافات دولت ایران و طرف دیگر ملاحظه می‌شود، اصل ۱۳۹ است (علیدوستی، ۱۳۸۷: ۷۶) که رویکرد حقوقی این قانون، در تناقض با رویکرد موافقت‌نامه تریپس در این باره می‌باشد. بطور کلی، عمده‌ترین مواع حقوقی عدم الحاق ایران به موافقت‌نامه تریپس، تعارض مفادی از این موافقت‌نامه با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است؛ که در این نوشتار، با مطرح نظر قرار دادن اصل ۱۳۹ قانون اساسی، تعارض میان دو منبع حقوقی از منظر مقوله ارجاع «دعاوی به داوری» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- تعارض در فرآیند ارجاع اختلاف به نهاد داوری

موافقت‌نامه تریپس در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته، لذا برابر تفاهم‌نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رأی نهایی صادر خواهد شد و اساساً، روال بدین صورت است که در مرحله اول، اختلاف میان اعضاء از طریق

۱۵۴....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

مشورت با یکدیگر حل می‌شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیأت‌های رسیدگی تشکیل دهد و بر اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد.

این در حالی است که طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، همانگونه که پیش از این ذکر آن رفت، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی و در موارد مهم داخلی یا در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد، باید به تصویب مجلس نیز برسد. برخی از صاحب‌نظران حقوق اساسی، تصویب هیأت وزیران را در این خصوص مربوط به هماهنگی دولت دانسته‌اند. بنابراین، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی که ممکن است رأساً طرف دعوا باشند، باید موافقت هیأت وزیران را جلب نمایند. بر این مبنا، باید دخالت مجلس را در شأن نظارتی و کنترلی و دخالت دولت را از حیث اداری و اجرایی قلمداد نمود (هاشمی، ۱۳۸۰: ۳۲۵).

پس می‌توان گفت، بر مبنای اصل مذکور، شروطی ناظر بر ارجاع اختلاف به نهاد داوری می‌باشد که البته این شروط، ناظر بر «موضوع داوری» بوده و حاکی از حساسیت واضعان قانون اساسی نسبت به اموال عمومی و دولتی می‌باشد، نه طرف داوری؛ بر این مبنا، آنچه اهمیت دارد، «اموال عمومی و دولتی» و اتخاذ تصمیم در خصوص صلح یا ارجاع دعاوی مربوط به آن‌ها به داوری است، ولو اینکه این اموال در ید اشخاص غیر دولتی باشد. بر این مبنا، جهت استرداد اموال غیر دولتی، منعی برای ارجاع موضوع به داوری به نظر نمی‌رسد ولو اینکه طرف مقابل دستگاه دولتی باشد.

بر این اساس، ارجاع اختلاف به داور و صدور رأی داوری، چنانچه در نهایت به اموال دولت تسری پیدا کند، علیرغم آن که تعهد مالی برای دستگاه دولتی داشته باشد، در زمره شروط مذکور در اصل ۱۳۹ قانون اساسی بوده و نیاز به تصویب هیأت وزیران و اطلاع یا تصویب مجلس شورای اسلامی، حسب مورد دارد. امّا، چنانچه داور با اظهار نظر و صدور رأی داوری در ارائه تفسیر صحیح از مفاد قرارداد، به اختلاف خاتمه دهد و تعهد مالی برای دولت در بر نداشته باشد، ارجاع آن به داوری، خارج از اشکال می‌باشد.

این در حالی است که، با توجه به وجود نهاد و رکن حل و فصل اختلافات بین اعضای سازمان تجارت جهانی و خصوصاً کشورهای عضو تریپس، دخالت مجالس قانونگذاری هیچ یک از اعضاء در این رابطه مطرح نشده زیرا که این سازمان یکی از فعال‌ترین مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات جهان را در اختیار دارد که از زمان تاسیس در ۱۹۹۵ تاکنون بیش از پانصد اختلاف به سازمان آمده و بیش از سیصد و پنجاه حکم صادر شده است (سایت رسمی سازمان تجارت جهانی: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_e.htm). لذا اعمال اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به نوعی دخالت مجلس ایران در امر داوری و حل و فصل اختلافات است و اجرای این اصل ممکن است در روند الحاق به موافقت‌نامه تریپس و به تبع آن، سازمان تجارت جهانی، موجب بروز چالش گردد؛ چرا که، رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در اجرا و حل و فصل اختلافات احتمالی با طرف سرمایه‌گذار خارجی، تشریفات فراوانی را موجب می‌شود که خلاف اصل سرعت و مخالف حسن نیت در معاملات بازرگانی بین‌المللی است؛ زیرا طرف خارجی انتظار دارد دولت میزبان، تضمین اجرا و اخذ مجوزهای لازم از مقامات کشور خود را با حسن نیت تأمین نماید نه اینکه به هنگام اجرای قرارداد و بروز اختلاف، با عنوان کردن لزوم تصویب مجلس، برخلاف حسن نیت قرارداد، به ضرر طرف خارجی عمل نماید (علیدوستی، ۱۳۸۵: ۵۶۹).

بر این مبنا می‌توان گفت، از آنجا که سرمایه‌گذار خارجی، در عمل، پیش از هر اقدامی کلیه جوانب حقوقی سرمایه‌گذاری خود در یک کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد، بی‌تردید، اعمال این اصل به عنوان مانعی برای ایجاد حس اعتماد و تمایل به سرمایه‌گذاری قلمداد خواهد شد. این در حالی است که چنانچه سرمایه‌گذار خارجی در بررسی مقررات حقوقی کشور سرمایه‌پذیر، با مقرراتی مواجه شود که با قواعد و اصول حقوقی جهانی همسو باشند، می‌تواند نسبت به حل و فصل عادلانه اختلافات احتمالی آینده تا حدودی مطمئن باشد و این امر رغبت به سرمایه‌گذاری را در ایشان حفظ نماید. تحقق این مهم، لزوم امر بازرنگری قانون اساسی و یا توسل به راهکارهایی مانند حق شرط در معاهدات بین‌المللی برای برون رفت از چالش را نمایان می‌کند. بر این مبنا، دولت ایران نیز همانند هر دولتی می‌تواند از حق شرط یا حق تحفظ استفاده کند. این راهکار موجب می‌شود در معاهدات و توافقات بین‌المللی، دولت ایران به شرط رعایت تشریفات مندرج در اصل ۱۳۹، طرف معاهده یا توافق‌نامه گردد. این

۱۵۶....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

روش جنبه استثنائی و ثانویه دارد و ارائه راهکار پایدار، مناسبتر به نظر می‌رسد. افزون بر این در برخی معاهدات و نهادهای بین‌المللی، چنین شرطی پذیرفته نیست یا حداقل، از تمایل اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی یا دولتی، به انعقاد قراردادهای مالی با دولت ایران خواهد کاست.

۳-۲- داوری ناپذیری برخی موضوعات

بطور کلی، در نظام حقوقی ایران، برخی موضوعات قابل ارجاع به «داوری» بوده و برخی موضوعات، غیرقابل ارجاع به داوری قلمداد می‌گردد. در تعیین موضوعات غیرقابل ارجاع به داوری، منافع ملی و مصالح نظام قضایی کشور مدنظر قرار می‌گیرد و صرفاً به حل و فصل اختلافات طرفین داوری توجه نمی‌گردد، بلکه مصالح قضایی، منافع ملی و نظم عمومی که مدنظر قانونگذار بوده، مبنای اصلی تعیین مصداق موضوعات غیر قابل ارجاع به داوری است (جنیدی و غیاثوند قزوینی، ۱۳۹۶: ۲۷).

البته در کنار موارد مذکور، در مواردی مشاهده می‌شود که مقنن، ارجاع برخی موضوعات به داوری را محدود نموده اما این محدودیت تنها به لحاظ نفس مرادوات و معاملات نیست، بلکه دلیل صدور این دستور قانونی، ارتباطی است که قرارداد با مصالح عمومی پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، عدم قابلیت داوری در خصوص این قبیل موضوعات ارتباطی به نفس موضوع ندارد بلکه نظر به مصالح عموم و حاکمیت دارد (Gaillard & Savage, ۱۹۹۹: ۳۲۲). می‌توان گفت، رابطه منطقی این نوع از ممنوعیت نسبت به موضوع داوری، عموم و خصوص من وجه است.

نسبی بودن این ممنوعیت به دلیل محدودیتی است که مقنن وضع نموده و طرف دولتی، برای بهره‌مندی از مزایای داوری، موظف به طی مراحل است که در صورت عدم تحقق آن مراحل، موضوع اختلاف قابلیت ارجاع به داوری را ندارد؛ بنابراین در واقع داوری پذیری این قبیل موضوعات مشروط است و کاملاً ممنوع نیست. مهمترین مصداق داوری ناپذیری نسبی در حقوق ایران «دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی» است که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی به آن اشاره شده است. صرفنظر از اینکه مبنا و علت اختلاف پیش آمده، ماهیتی اقتصادی دارد یا خیر، مقنن محدودیت‌هایی را در راستای داوری پذیری این اختلافات در نظر گرفته است.

براساس اصل مذکور، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است؛ البته با اطلاع مجلس.

بنابراین، ارجاع به داوری نسبت به آن دسته از اموال عمومی و دولتی که در حیطه اعمال حاکمیتی دولت قرار می‌گیرد، مشمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی است؛ اگرچه از نظر مخالفان این اصل مطلق بیان شده و شامل کلیه اعمال و فعالیت‌های دولت می‌گردد. همچنین شایان ذکر است، وضعیت بررسی و تفسیر این اصل در داوری‌های داخلی با داوری‌های بین‌المللی متفاوت است؛ زیرا در عرصه داوری تجاری بین‌المللی با استناد به قاعده استاپل، طرف ایرانی نمی‌تواند پس از انعقاد موافقت‌نامه داوری و بروز اختلاف، به بهانه وجود برخی محدودیت‌ها در قوانین داخلی، مانع روند داوری شود و یا پس از صدور رأی به دنبال ابطال آن باشد؛ زیرا هنگام انعقاد قرارداد از وجود این شرایط قانونی آگاه بوده و می‌بایست از ابتدا با در نظر گرفتن آن، اقدام به اخذ مجوز لازم نماید و در صورت عدم موفقیت در اخذ چنین مجوزی اساساً ذیل توافق‌نامه داوری را امضا نکند؛ به عبارت دیگر، در عرصه بین‌المللی براساس اصل حسن نیت، این نظر وجود دارد که طرف ایرانی می‌بایست به طور معقول و منطقی نسبت به ممنوعیت و محدودیت‌های قوانین داخلی مطلع بوده و عالمانه با فراهم نمودن شرایط و مقدمات لازم قرارداد داوری منعقد نماید (Ibid, ۳۲۷). لیکن در داوری داخلی با وجود فرض قانونی که کلیه اشخاص (هر دو طرف قرارداد داوری) را نسبت به قوانین آگاه و مطلع می‌داند، نحوه تفسیر نیز متفاوت است.

سوءظن نسبت به عدم وجود حسن نیت در طرف ایرانی هنگامی بیشتر خواهد شد که وی در کل روند داوری شرکت نموده و در خصوص عدم رعایت شرایط اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ایرادی ننماید ولی در صورت محکومیت، اقدام به طرح دعوای ابطال رأی داوری با تمسک به این اصل نماید.

لذا همانگونه که ذکر آن رفت، طبق قاعده استاپل و نیز اصل حسن نیت، طرف ایرانی نمی‌تواند با استفاده از اصول و احکام مندرج در قوانین ملی و داخلی مانع از انجام روند داوری شود؛ بنابراین، در داوری‌های بین‌المللی فرض اینکه طرف خارجی برای انعقاد قرارداد تجاری حاوی شرط داوری مکلف به تفحص در قوانین مختلف ایران باشد و چنانچه مانعی موجود نبود، آن را امضاء نماید، هم چندان منطقی نیست و هم رویه داوری‌های بین‌المللی این تکلیف را برای طرف خارجی نپذیرفته و چنین ادعایی را خلاف نظم عمومی بین‌المللی می‌داند.

۳-۳- مخدوش گردیدن اصل محرمانه بودن امر داوری

بر طبق مقررات بین‌المللی، خصوصاً مقررات سازمان جهانی مالکیت فکری، شرایط ویژه و جامعی درباره‌ی محرمانه نگه‌داشتن داوری وضع شده است. این مقررات در خصوص محرمانه نگه‌داشتن اصل وجود داوری، رسیدگی و حکم صادره است. همچنین مقرراتی درباره محرمانه ماندن مشاهدات داوران و مرکز وضع شده است. این مقررات، اشخاصی را که باید در این خصوص متعهد باشند، ذکر کرده است و از همه مهمتر آنکه بر طبق مقررات بین‌المللی، از اسرار تجاری نیز حمایت شده است. این در حالی است که ماده ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با درج این شرط که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و نیز ارجاع اینگونه مسائل به داوری، موکول به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس است، در عمل، اصل محرمانه بودن امر داوری را مخدوش نموده چرا که لاجرم به منظور بررسی و اعلام نظر هیأت وزیران و نمایندگان مجلس، می‌باید اصل موضوع داوری، علل و شرایط وقوع و حدود و ثغور آن به وضوح و تفصیل تشریح گردد تا تمامی جوانب امر برای نهادهای صالح بررسی بر طبق قانون اساسی، آشکار گردد و سپس بر مبنای ادله و اسناد ارائه شده، اعلام نظر نمایند که این امر مطابقی با قوانین بین‌المللی خصوصاً قوانین سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های مربوطه این سازمان نداشته و در تعارض با حقوق تعریف شده می‌باشد. مضافاً اینکه، در کنار مخدوش گردیدن امر داوری در صورت اعمال مفاد قانونی مذکور در اصل ۱۳۹، اسرار تجاری نیز که طبق مقررات بین‌المللی می‌باید مورد حمایت واقع شود و محرمانه باقی بماند نیز فاش می‌گردد.

۴- نتیجه‌گیری

نظر به اهمیت پیوستن به سازمان تجارت جهانی که ایران نیز گام‌هایی در مسیر الحاق به آن برداشته، موضوع مهمتر، لزوم افزایش آگاهی از قوانین و مقررات سازمان و همچنین تطبیق مفاد موافقت‌نامه‌های آن با قوانین اساسی و همچنین مقررات و آئین‌نامه‌های موجود داخلی و در صورت ضرورت، اصلاح مقررات مذکور یا حفظ آن‌ها و درج در جدول تعهدات خاص می‌باشد تا در سایه آن بتوان از بروز مشکلات فراروی تجارت ایران با کشورهای دیگر جلوگیری کرد.

علیرغم ضرورت این مهم اما، مطالعه تطبیقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - بخصوص اصل ۱۳۹ این قانون- با مفاد موافقت‌نامه تریپس، حاکی از آن است که در برخی حوزه‌ها خصوصاً مقوله ارجاع به داوری و حل و فصل اختلافات میان اعضاء، تطبیقی و همخوانی‌ای میان مفاد موافقت‌نامه تریپس با قانون اساسی ایران وجود ندارد بطوری که در این زمینه، اختلاف تفسیر نیز مشاهده می‌گردد. مطالعات صورت گرفته در این زمینه در آخر ما را بدین سو رهنمون می‌کند که حکم اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در خصوص یک دسته خاص از دعاوی با دولت یا دستگاه‌های دولتی است و شامل هر نوع دعوی‌ای نمی‌گردد. در واقع شمول حکم این اصل بر اموال عمومی و دولتی است؛ لذا شرط مذکور، از شرایط «موضوع قرارداد داوری» است؛ بر این مبنا، دستگاه‌های دولتی بدون تصویب هیأت وزیران می‌توانند در داوری به عنوان طرف دعوی قرار گیرند مشروط بر اینکه موضوع دعوی مربوط به «اموال عمومی و دولتی» نباشد. این در حالی است که در موافقت‌نامه تریپس، تأکید اصلی بر امر داوری و ارجاع دعاوی به داور، در صورت بروز هرگونه اختلاف میان اعضا می‌باشد و به تعبیر دیگر می‌توان گفت، شروطی حاکم بر موضوع امر داوری نبوده و لذا، رجوع به امر داوری به منظور حل و فصل دعاوی از طرف اعضا، مطرح است. این اختلاف در رویکرد و عدم همخوانی، بی‌تردید در گام نخست، مسیر پذیرش و الحاق ایران به موافقت‌نامه تریپس و در گام بعدی، خارج شدن ایران از وضعیت عضویت ناظر در سازمان تجارت جهانی و تبدیل شده به یکی از اعضای اصلی این سازمان را با چالش‌ها و موانعی مواجه خواهد نمود و ضرورت چاره‌اندیشی و مرتفع نمودن مانع حقوقی موجود را به تصویر خواهد کشید.

در این راستا، از آنجایی که غالب موانع و مشکلات موجود در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های زیر مجموعه آن، حقوقی است، به نظر می‌رسد بازنگری در قوانین - خصوصاً قانون اساسی - مرتفع کننده چالش‌های موجود باشد که این امر نیز، خود با موانعی بزرگتر مواجه است. در این که قانون اساسی به عنوان شالوده قوانین و مقررات عمومی کشور است، جای تردید و گمانی وجود ندارد، لیکن اگر بنا بر رفاه و حمایت از حقوق و آزادی‌های عموم افراد جامعه باشد، مصلحت اقتضا می‌کند در این مورد حتی با توجه به سختی و موانع موجود نسبت به بازنگری قانون اساسی در جهت ایجاد مصالح و منافع عموم در اسرع زمان ممکن اقدام گردد؛ چرا که بی‌شک، بازنگری مجدد موافقت‌نامه تریپس بنا به دلایل چندی بعید به نظر

۱۶۰....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

می‌رسد؛ زیرا این موافقت‌نامه یک «طرح کلی» است که اگر بازنگری شود، تقریباً در بیش‌تر حوزه‌های مالکیت فکری فوراً با درخواست حمایت بیشتر یا کمتر مواجه می‌شود.

بر این مبنا، با توجه به آنکه یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت مطابقت قوانین داخلی کشور با مقررات این سازمان است، حال که بازنگری در قانون اساسی که سندی بالادستی قلمداد می‌گردد مشکل به نظر می‌نماید، می‌باید تلاش گردد قوانین زیر مجموعه مرتبط، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و... مورد بازنگری قرار گرفته و شفاف‌سازی‌های لازم صورت پذیرد چرا که برخی قوانین کلان مانند قانون تجارت و اصلاحات بعدی آن، چنان با کاستی‌ها و ابهامات بسیاری درگیرند که دیر زمانی است که از قافله تحولات شتابند اجتماعی جامعه ایرانی فاصله شگرف اختیار نموده‌اند تا چه رسد به پیشرفت‌های شتابند اقتصاد جهانی و مقتضیات آن که بناست در چارچوب سازمان جهانی تجارت خود در زیر یک چتر هماهنگ شود.

قوانین دیگر مانند قانون مقررات صادرات و واردات به عنوان شاخص‌ترین قانون در عرصه تجارت خارجی کشور و نیز قانون بورس اوراق بهادار که مشتمل بر ده‌ها آیین‌نامه، بخشنامه و دستورالعمل می‌باشد نیز لازم است فرآیند بازنگری و همگام‌سازی با قوانین سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های زیر مجموعه را طی نمایند؛ چرا که بخش‌هایی از این قوانین در تعارض با مقررات سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه تریپس می‌باشند که بیشترین تعارض آن در سه حوزه حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت‌های وارداتی و سیاست‌های مشوق صادرات است.

هر چند دولت جمهوری اسلامی ایران طی تلاش‌های گذشته کوشیده است تا از این تعارضات بکاهد و گام‌های مهمی نیز در این راه برداشته است که از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تصویب قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات متعدد در آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات اشاره کرد؛ اما با این وجود همچنان مغایرت‌ها و تعارضات در این قوانین با موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی به چشم می‌خورد که لزوم بازنگری‌های و اصلاحات بیشتر را به تصویر می‌کشد.

منابع

- آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران، چاپار.
- اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۷)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
- بزرگی، وحید (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی قوانین و مقررات ایران با مفاد موافقت‌نامه تریپس در زمینه حق نسخه برداری و حقوق مرتبط، **مطالعات فرهنگ-ارتباطات**، سال ۱۴، شماره ۲۴.
- تفرشی، محمد عیسی و اسدی نژاد، سید محمد (۱۳۸۷)، ویژگی‌های مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری و مقایسه آن با قانون داوری تجاری بین‌المللی، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱.
- جنیدی، لعیبا و غیاثوند قزوینی، نسترن (۱۳۹۶)، داور پذیری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی، **فصلنامه حقوق تطبیقی**، دوره ۵، شماره ۱۰۸.
- رئیسی، لیلا (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی شیوه‌های حل و فصل اختلافات مربوط با مالکیت معنوی در واپیو و تریپس، **مجله حقوقی مفید**، جلد دوم، شماره ۲.
- زارع، علی و ابراهیمی رامندی، جمشید (۱۳۹۷)، اصول حقوقی حاکم بر داوری سازمان جهانی مالکیت فکری، **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره چهل و دوم.
- سایت رسمی سازمان تجارت جهانی:
https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_e.htm
- سواری، حسن و راشدی، مهریار (۱۳۹۳)، ماهیت و قلمرو تعهد رفتار ملی در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، **مجله حقوقی دادگستری**، سال ۷۸، شماره ۸۷.
- صفایی، سید حسین (۱۳۷۰)، **حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی**، تهران: انتشارات میزان.
- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۷)، ظرفیت‌های اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال یازدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۳۹.

۱۶۲....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۵)، جنبه های حقوقی - امنیتی قراردادهای بیع متقابل نفتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۳.

- فتحی زاده، هوشنگ، رجبی خاصوان، جلال و حسن نژاد، مجید (۱۳۹۳)، موافقت‌نامه تریپس در سازمان جهانی تجارت، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۱.

- پور شوشتری، ملائکه و کامل، حمید (۱۳۹۷)، موانع حقوقی الحاق به سازمان جهانی تجارت، دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، دوره چهارم، شماره ۱.

- میر شمسی، محمد هادی (۱۳۹۴)، موافقت‌نامه تریپس و نقش آن در گسترش حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری، فصلنامه تخصصی دین و قانون، شماره ۷.

- نوازی، بهرام و نوازی، علی (۱۳۹۰) سازمان تجارت جهانی و تأثیر پیوستن بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس بین‌المللی جهاد اقتصادی، کرمان، ۱۷ و ۱۸ اسفند ماه.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر.

- هندی، سید اصغر (۱۳۸۶)، بررسی تسری شروط اصل ۱۳۹ قانون اساسی به اموال شرکت‌های دولتی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۱.

- Gaillard Emmanuel & Savage John, (۱۹۹۹), "Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration", Klawer Law International.

- LEW, J.D, (۲۰۰۰), "the arbitration of intellectual Property disputes, WIPO.

- Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law, (۲۰۰۹), WTO – Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights, Martinus Nijhoff Publishers Leiden, Boston.

- Palmeter, David (۱۹۹۹), "National Sovereignty and the World Trade Organization", ۲ J. World Intel, Prop.

- Van den Bossche, Peter (۲۰۰۵), "The Law and Policy of the World Trade Organization", Twxt, Cases and Materials, Cambridge University Press.

- WIPO (۲۰۰۷), Guide to the Application of the Paris Convention for the Protection of Industrial Property, WIPO Publication, Geneva.

- WIPO (۲۰۰۸), WIPO Intellectual Property Handbook, WIPO Publication, Geneva.

- WTO (۲۰۱۲), A Handbook on WTO-TRIPs Agreement, Cambridge University Press.

- WTO (Nov. ۲۰, ۲۰۱۰), Ministerial Conference, Doha Ministerial Declaration, WT/MIN (۰۱)/DEC/۱, at.